

چگونه نیچه بخوانیم

کیث انسل پیرسون، ترجمه لیلا کوچک‌منش، نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۹۸

حمیدرضا محبوبی آرانی^۱

چگونه نیچه بخوانیم، یکی از کتاب‌های مجموعه‌ای است با عنوان چگونه بخوانیم (How to Read Series) از سوی انتشارات **W. W. Norton and Company**، که تاکنون جلد‌های متعددی از آن درباره‌ی اندیشمندان و نویسندگان و شخصیت‌های مطرح تاریخ یا حتی کتاب‌های مهم تاریخ چاپ شده است. هدف از این مجموعه به دست دادن شناختی اولیه از اندیشه‌ها و افکار شخصیت با کتاب مورد بحث است، اما نه از طریق بیان زندگی و خلاصه‌ای از آثار و افکار آن متفکر، مانند آنچه غالب کتاب‌های راهنما انجام می‌دهند، بلکه به شیوه‌ای که بنا به اظهار نظر ویراستار مجموعه، شیوه‌ی نو است. هر جلد می‌کوشد تا خواننده را با کلام و متن برخی از عبارات مهم آن متفکر به صورت مستقیم مواجه و درگیر سازد، به این نحو که هر جلد حدود مثلاً ۱۰ عبارت مهم از آن نویسنده را انتخاب کرده و ضمن شرح و تفسیر حرفه‌ای و استادانه‌ی آن از سوی یک متخصص درجه نخست، دریچه‌ای برای بیان بسیاری از افکار اصلی آن متفکر باز می‌کند. هدف آن است که خواننده به جای خوانش افکار، و به تعبیری، تفسیر آنها از سوی نویسنده، خود از طریق مواجهه‌ی دسته اول و اصیل با کلمات و متن اصلی برای خود به کشف و فهم دست بزند و ترس از مواجهه متن اصلی جای خود را به لذت فهم و کشف بدل سازد. به همین دلیل، ادعای ویراستار مجموعه این است که جلد‌های این مجموعه بهترین کتاب مقدماتی برای آشنایی با متفکر اصلی را فراهم می‌آورد.

نویسنده جلد نیچه‌ی این مجموعه، کیث آنسل پیرسون (Keith Ansell Pearson) یکی از دانشوران متخصص در حوزه‌ی نیچه‌شناسی است که نوشته‌های گوناگونی درباره‌ی نیچه نگاشته و ویراستاری کرده است. در این کتاب مختصر، وی بعد از یک مقدمه‌ی مختصر درباره‌ی نیچه و کتابی که فراهم آورده، در ده فصل که به ترتیب تاریخی-موضوعی تنظیم یافته، به تفسیر ده عبارت از نیچه می‌پردازد و در نهایت در یک ضمیمه با نقل گزین‌گویی‌ای از یکی از آثار ابتدایی نیچه کتاب را به پایان می‌برد.

فصل نخست، با نقل عبارتی از نخستین کتاب نیچه، *زایش تراژدی از درون روح موسیقی*، شرح و بسطی درباره‌ی معنای آپولونی و دیونوسوسی فراهم می‌آورد و از این طریق راه‌حل نیچه برای مسأله‌ی معنای زندگی و بدینی را، که در آن دوره چیزی جز درک سرشت آشفته‌وار و دهشتناک بنیاد هستی نبود، مطرح می‌شود. در فصل، بعدی پیرسون به سراغ

^۱ . استادیار گروه فلسفه و منطق، دانشگاه تربیت مدرس، h.mahboobi@modares.ac.ir

نقل قولی از دوره‌ی علم‌گرایی نیچه می‌رود و گزین‌گویی نخست کتاب *بشری-بس بسیار بشری* را مبنای بحث درباره‌ی برخی از اندیشه‌ها و رویکرد فکری نیچه در این دوره، که معروف به دوران آزاده‌جانی است می‌پردازد. چنانچه پیرسون هم به درستی اشاره کرده، اندیشه‌ی محوری نیچه در این دوران ظهور یک فلسفه‌ی تاریخی، که بعدها سر از تبارشناسی درمی‌آورد، در برابر فلسفه‌ی متافیزیکی است. دو فصل بعدی با دو نقل قول مهم از *دانش شادان* نیچه، به طور خاص به لوازم مرگ خدای مسیحی در اندیشه‌ی نیچه می‌پردازد. مرگ خدای مسیحی راه را برای ظهور جسارت‌ورزی‌ها و دلیری‌های جوینده‌ی شناخت که به سمت و سوی افق‌های مخاطره‌آمیز اما باز آینده می‌نگرد، باز می‌کند، هرچند این امر می‌بایست در پرتو آنچه نیچه در نقد خواست حقیقت و خود حقیقت مطرح ساخته، بررسی شود. بعد از نقل قول فصل پنجم از *تبارشناسی اخلاق* و بحثی مختصر درباره‌ی حافظه و فراموشی، که با مفهوم گناه و وجدان ارتباط پیدا می‌کند، فصل‌های ششم و هفتم کتاب باز با نقل قول‌هایی از *دانش شادان* ادامه می‌یابند که نشان‌دهنده‌ی اهمیت این کتاب نیچه برای پیرسون است. در این دو فصل نیز موضوع اصلی راه و رسمی است که نیچه برای زندگی آدمی و شیوه‌ی زیستن وی به‌گونه‌ای که بتواند بی‌معنایی زندگی، و به تعبیری نیهیلیسم، را تاب آورد پرده برمی‌دارد- سرشت زنانه‌ی زندگی و بار سنگین بازگشت جاودانه‌ی همان. فصل هشتم، مفهوم ابرانسان، یا به ترجمه‌ی مترجم کتاب، فرانسان را در بستر *چنین گفت زرتشت* نیچه توضیح می‌دهد. مفهوم مهم نیهیلیسم و خواست نیستی، به‌ویژه آن‌گونه که با آرمان زهد و خواست نیستی و نه‌بودن در *تبارشناسی اخلاق* پیوند خورده موضوع فصل نهم کتاب است. نهایتاً، زندگی‌نامه‌ی خودنوشت فلسفی نیچه، *اینک انسان*، مجالی برای بررسی واپسین اندیشه‌های نیچه و میراث فلسفی وی را فراهم می‌آورد.

از این گزارش مختصر مشخص است که نیچه‌ای که پیرسون در اینجا تصویر می‌کند، نیچه‌ای است که بیشتر برای غیرمتخصصان نیچه آشناست و اگرچه در دهه‌های اخیر متفکران و دانشوران بیشتری به صورت تخصصی به این جنبه از افکار نیچه پرداخته‌اند، اما غالباً دانشوران و متخصصان نیچه کوشیده‌اند تا تصویری از فیلسوفی در سنت تاریخ فلسفه ترسیم کنند که دقیقاً با مفاهیم اساسی و سنتی فلسفه و متافیزیک درگیر است. افکاری از نیچه که در اینجا پیرسون درباره‌ی آنها سخن می‌گوید آنهایی نیست که مثلاً بتوان در بحث‌های معرفت‌شناختی یا متافیزیکی از نیچه مطرح کرد، هرچند به جنبه‌های به اصطلاح مهم‌تری، دست‌کم برای خود نیچه، می‌پردازد که با دغدغه‌های فرهنگی و زندگی انضمامی آدمی و به‌ویژه معنای آن، سر و کار دارد. برجسته‌ساختن چنین تصویری از نیچه، به تعبیر خود پیرسون در مقدمه، بدان دلیل است که وی نهایتاً کوشیده در پرتو دغدغه‌های فلسفی خودش نسبت به فلسفه و مسائل آن، که تحت تأثیر افکار نیچه بوده، به شرح و توضیح این گزین‌گویی‌های منتخب وی بپردازد.

ترجمه‌ی کتاب، با توجه به غیرتخصصی بودن آن، در مجموع ترجمه‌ی شیوا و خواندنی است و سپاسگزار مترجم هستیم که ترجمه‌ای خوب از کتاب به دست داده است. البته، به مانند هر ترجمه‌ای، از چشم دیگر مترجمان نمی‌تواند خالی از اشکال باشد. نویسنده‌ی این یادداشت، گاه به لحاظ ذوق ادبی با نویسنده در ترجمه‌ی برخی عبارات ناموافق است و گاه به لحاظ ترجمه نظری دیگر را ترجیح می‌دهد که در غالب موارد برای کتابی غیرتخصصی اهمیت چندانی ندارند (برای نمونه مترجم واژه‌ی *essay* را حداقل با سه تعبیر ترجمه کرده است: رساله، مقاله، جستار. در خصوص برخی واژه‌های دیگر هم همین مشکل وجود دارد). یکی از اشکالات کتاب عدم ترجمه‌ی بیشتر نقل‌قول‌هایی است که فارسی آنها وجود دارد. این نقل‌قول‌ها عمدتاً از ترجمه‌های فارسی نقل شده‌اند و ترجمه‌ی انگلیسی که پیرسون آورده در برخی موارد متفاوت از ترجمه‌ی فارسی است. بهتر بود که مترجم فارسی این نقل‌قول‌ها را هم خود ترجمه می‌کرد و یا دست‌کم مطابق با ترجمه‌ی انگلیسی در آنها دست می‌برد.